

در جستجوی معماری سرآمد:

ظرفیت‌های معماری معاصر ایران برای تبدیل به میراثی برای آینده

محمدجواد مهدوی نژاد*

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۱۲/۱۰

چکیده

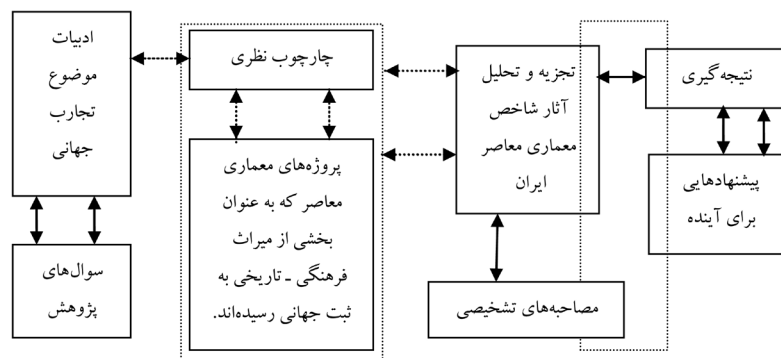
معماری بخشی از میراث فرهنگی است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد، همان طور که آثار معماری گذشتگان به عنوان میراثی فرهنگی به نسل امروز انتقال یافته، آثار معماری معاصر نیز می‌توانند به نسل آینده انتقال یابند. بر اساس چنین رویکردی، آثار درخشان معماری معاصر بخشی از تاریخ معماری جهان است و به اندازه آثار گذشتگان، لیاقت ثبت شدن به عنوان یک میراث ملی و جهانی را دارا می‌باشد و می‌تواند بی‌کم و کاست در اختیار نسل‌های بعدی قرار گیرد. بر اساس چنین نگرشی می‌توان سهمی برای معماری معاصر در تکمیل میراث فرهنگی هر کشوری قائل شد. میراثی که لازم است به دقت از آن حفاظت و نگهداری شده، به نسل‌های بعدی انتقال یابد. چارچوب نظری پژوهش بر اساس مهمترین مشخصات و ویژگی‌های شناسایی شده در میان آثار منتخب و ارزشمند آثار معماری معاصر که ثبت جهانی رسیده‌اند طراحی شده است. این ویژگی‌ها عبارتند از: **اول** - حوزه معماری به معنای اخص کلمه: ۱ - شاخص بودن معمار ۲ - طراحی معماری ۳ - فناوری روزآمد ۴ - موضوع و کاربری **دوم** - حوزه عوامل موثر در طراحی: ۱ - کارفرما ۲ - قانون‌گذار ۳ - استقبال عمومی ۴ - منظر فرهنگی **سوم** - حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری: ۱ - رویکرد بینارشته‌ای و عملکرد گروهی ۲ - مشارکت ۳ - انعطاف‌پذیری ۴ - تکمیل مجموعه معماری به وسیله دیگر طرح‌ها. اثری از معماری معاصر که واجد ارزش‌های فوق باشد، یک معماری «فاخر» نامیده می‌شود؛ و اگر بتواند به میراثی برای آینده تبدیل شود، یک «معماری سرآمد» است. به منظور ظرفیت‌های معماری معاصر ایران برای تبدیل به میراثی برای آینده، تعداد دوپست اثر از آثار معماری معاصر ایران بر اساس نظر متخصصین انتخاب شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. دستاوردهای پژوهش نشان دهنده آن است که همانطور که در بسیاری از آثار معماری معاصر ایران می‌توانند به عنوان بخشی از معماری سرآمد و میراثی برای آینده مطرح شوند.

واژگان کلیدی: معماری سرآمد، معماری فاخر، معماری معاصر ایران، میراث فرهنگی، میراث معماری.

مقدمه

سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و همچنین قانون برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، هر یک به شکلی بر ضرورت ارتقاء کیفیت در معماری معاصر ایران تأکید داشته‌اند. به عبارت دیگر نگاه اسناد بالادست، برنامه‌ریزی و برنامه‌دهی در این زمینه با هدف زمینه سازی برای دست یابی به معماری فاخر و معماری سرآمد بوده است. بررسی، تحلیل و شناسایی ظرفیت‌های معماری معاصر ایران برای تبدیل به میراثی برای آینده، گامی کلیدی و اساسی برای دست‌یابی به اهداف پیش‌بینی شده در اسناد بالادست ارزیابی شود. بازشناسی و تبیین موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های معماری معاصر کشور، می‌تواند زمینه لازم برای ورود معماری معاصر ایران به میراث معماری جهانی را فراهم آورد. این مقاله ضمن اتکاء به ادبیات نظری معماری فاخر و معماری سرآمد در مقیاس جهانی، و همچنین استفاده از تجربه‌های دیگر کشورها، به دنبال چارچوب سازی و ارائه پاسخی روشن برای پرسش‌های جامعه در مورد معماری معاصر ایران است.

نمودار ۱: فرآیند ساختار پژوهش و مندولوژی تحقیق



۱. مبانی نظری و طرح مسأله

در سال ۱۹۶۷ در گردهمایی ایکوموس در اکوادور، بیانیه کیوتو (ویتو) به تصویب رسید (Quito, 1967). این بیانیه با تأکید بر جنبه‌های معنوی و فرهنگی آثار هنری و معماری اظهار می‌دارد که بناهای بارزش نه تنها افتخاری ملی‌اند، بلکه موضوعی برای گفتگوی تمدن‌ها و افزایش تبادلات فرهنگی در میان آن‌ها به شمار می‌آیند (Mahdavinejad, 1996). معماری حاصل اندیشه‌های انسانی است و خصوصیات آن تعریف کننده ایده‌ها، آرمان‌ها و اندیشه‌های سازندگان آن به شمار می‌آید. از این رو می‌توان حفاظت از آثار ارزشمند معماری معاصر را بهترین شیوه برای انتقال ارزش‌های و مفاهیم دوران معاصر به نسل‌های آینده دانست (Mahdavinejad & Nagahani, 2011)؛ این مفهوم در معماری اسلامی ایرانی، مفهومی ریشه دار است (Mahdavinejad, 2004). بیانیه ایکوموس در استکهلم در سال ۱۹۹۸ که به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه حقوق بشر در به تصویب رسید؛ به صراحت، حفظ میراث فرهنگی را جزئی لاینفک از حقوق بشر معرفی می‌نماید (ICOMOS, 1998). در گام بعدی بیانیه مکزیکویستی مصوب دوازدهمین مجمع عمومی ایکوموس در سال ۲۰۰۰، آثار معماری امروز را نمادی از زندگی معاصر معرفی می‌نماید و آنچه نمادی از دوره‌ای خاص زندگی بشری است (Mahdavinejad, & Nagahani, 2012). بر اساس بند چهارم منشور ثبت آثار جهانی مصوب ۲۰۰۴، ارزش آن را دارد که بی‌کم و کاست به نسل‌های بعدی انتقال یابد.

تلاش‌های فراوانی توسط اندیشمندان معاصر و نهادهای بین‌المللی با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق صورت پذیرفته است و همچنان نیز ادامه دارد. یکی از مهمترین نهادهایی برای پاسخ‌گویی به چنین نیازی تشکیل شد، داکومومو نام دارد. داکومومو نهادی است که در سال ۱۹۹۰ از سوی یونسکو برای شناسایی هرچه بهتر و دقیق‌تر آثار معماری معاصر، با ترکیبی از متخصصان میراث جهانی و انجمن بین‌المللی معماران^۲ تشکیل شده است.^۳ همایش‌های بعدی با محوریت شناسایی و ثبت آثار معماری معاصر تا آنجا پیش رفت که معماری مدرن را به عنوان مهمترین بخش از میراث معماری معاصر برای آیندگان شناخت^۴ و سپس مفاهیم منطقه‌ای و ارزش‌های مبتنی بر زمینه را در آن به عنوان بخش جدایی ناپذیر از میراثی که برای آیندگان باقی خواهد ماند معرفی کرد.^۵ اما همچنان به سبب نوع فعالیت‌ها و عدم الزام حقوقی، مصوبات داکومومو در حد توصیه‌های تخصصی باقی ماند تا در صورت تصویب یونسکو به اسنادی جهانی و الزام‌آور تبدیل شوند.

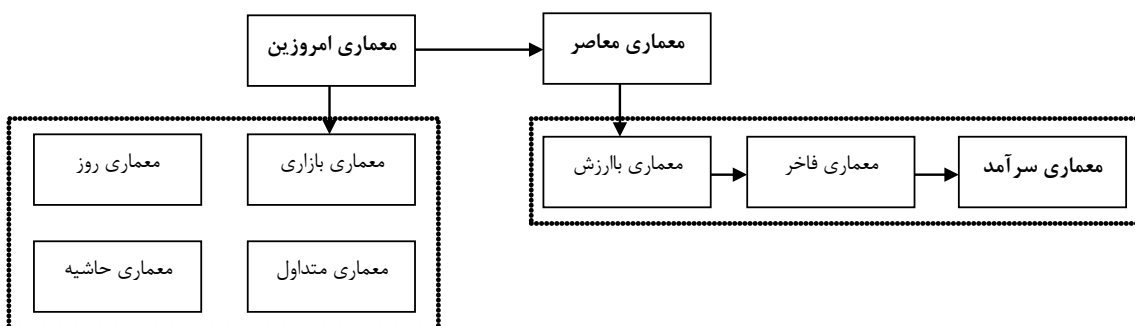
البته بسیاری از این دستاوردها نیز مورد تأیید یونسکو قرار گرفت. به عنوان مثال در فوریه و اکتبر ۲۰۰۱، دو همایش توسط یونسکو برگزار شد که به ترتیب تعیین جهت‌گیری‌ها و اهداف یونسکو را در زمینه شناسایی معماری مدرن به عنوان میراثی برای آینده، مورد بحث قرار می‌دهد (Bandarin, 2003, p. 3). افراد و شخصیت‌های فراوانی نیز در این

زمینه مطالعات گسترده‌ای را انجام داده‌اند، مطالعاتی که قرار است تا سال ۲۰۱۰ به عنوان قطعنامه‌ای اجرایی در اختیار اجلاس عمومی ایکوموس قرار گیرد. پس از تصویب این سند، مجموعه مستقلی برای ثبت و ارزش‌گذاری آثار معماری مدرن تشکیل خواهد شد (UNESCO, 2003). ایران نیز یکی از کشورهایی است که از ۲۶ فوریه ۱۹۷۵ به کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان پیوسته است. معماری معاصر کشورهای اسلامی و معماری معاصر کشورهای در حال توسعه (Mahdavinejad & Jafari, 2014) نیز ظرفیت‌های ویژه‌ای را در این خصوص ایجاد نموده است (Mahdavinejad et al., 2015). نسبت فناوری‌های روزآمد و پیشرفته با معماری سرآمد و معماری فاخر (Mahdavinejad, 2014) موضوعی مهم و اساسی و کلیدی در معاصرسازی مفاهیم معماری سنتی به شمار می‌رود (Mahdavinejad, 1998). به نظر می‌رسد در میان آثار معماری معاصر ایران نیز نمونه‌های قابل توجهی وجود داشته باشند که قابلیت ارائه برای ثبت جهانی را دارند. علاوه بر آنکه پرسش از چنین موضوعی می‌تواند راهگشای آینده معماری معاصر ایران نیز باشد.

۲. پرسش‌های پژوهش

- ۱- بر اساس تجربه‌های معماری معاصر جهان، چگونه بناهایی (با چه ویژگی‌ها و مشخصاتی) توانسته‌اند به عنوان بخشی از میراث فرهنگی جهان ثبت شوند؟
- ۲- آثاری معماری معاصر ایران با کدامیک از ویژگی‌ها و مشخصات شناخته شده هماهنگی دارند؟

نمودار ۲: نسبت مفاهیم کلیدی پژوهش با یکدیگر



۳. روش شناسی

راهبرد اصلی پژوهش استدلال منطقی و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. از تکنیک امتیازدهی متخصصین برای سنجش آثار بهره گرفته شده است. نمونه‌ها نیز به صورت هدفمند، متکی بر روش گلوله برفی انتخاب شده، بر اساس روش گروه بحث امتیازدهی شده‌اند. برای انجام مراحل تحقیق از الگوی گلوله برفی برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شد. در آغاز کار به پنج نفر از معماران مشهور تهران مراجعه شده، از ایشان خواسته شد بناهای مطرحی که در بازه زمانی یک صد سال اخیر می‌شناسند، نام ببرند. علاوه بر آن که خواسته شد که اندیشمندان و معماران سرشناس و یا قابل توجه دیگر که می‌توانند در این راستا راهنمایی کنند را معرفی نمایند. کار تا جایی ادامه یافت که به «اشیاع نظری» رسید. برای رسیدن به این درجه، با ۱۰۸ نفر از افراد مطلع که به صورت زنجیره‌ای و با توجه به الگوی گلوله برفی انتخاب شده بودند، مصاحبه عمیق صورت پذیرفت. بر اساس برآیند ۲۰۴ بنا شناسایی شده و بر اساس تعداد رای، مرتب شدند. برای سهولت انجام تحقیق، ۲۰۰ نمونه اول برای تصمیم‌گیری انتخاب شدند. سپس بر اساس الگوی گروه بحث، به این بناها امتیاز داده شد؛ که پانزده بنا از آثاری که بیشترین امتیاز را کسب کردند، به عنوان نمونه در تحقیق ارائه شده‌اند.

شکل ۱: دانشگاه تهران از آثار شاخص معماری معاصر ایران



۴. چارچوب معماری سرآمد

تجدد و تجددگرایی یکی از ویژگی‌های معماری معاصر محسوب می‌شود که جلوه‌های پیدا و پنهان آن در زندگی روزمره مردم نیز قابل مشاهده و بازشناسی می‌باشد. مروری بر تجارب و ادبیات معماری در زمینه ارزش و نقش معماری معاصر، گویای آن است که نمی‌توان فصول مشترکی را در میان نظریات موجود جستجو کرد. گروهی با شیفتگی فراوان، معماری معاصر را از هر نوع که باشد، می‌ستایند. در مقابل گروهی دیگر با نفی دستاوردهای معماری معاصر، به کلی آن را نکوهیده و ناپسند می‌خوانند (Mahdavinejad et al., 2011). اما آنچه مسلم می‌نماید آن است که در هر روی، معماری هر عصری بخشی جدایی ناپذیر از تاریخ زندگی آدمیان آن عصر محسوب می‌شود و می‌تواند به عنوان نه فقط میراث معماری که فرهنگی، در اختیار نسل‌های آینده قرار گیرد (Mahdavinejad et al., 2012)، بر اساس این رویکرد معماری امروز را می‌توان میراثی برای آیندگان دانست. میراثی که آیندگان به کمک آن خواهند توانست به مطالعه فرهنگ، تاریخ، پیشینه و باورهای مردمان روزگار ما بپردازند. بنابراین آثار معماری امروز امانتی در دست ماست، که باید به نسل‌های بعدی انتقال یابد.

مطالعات یونسکو^۶ در سال ۲۰۰۱ نشان داد که آثار شاخص معماری معاصر به شدت تهدید می‌شوند و بسیاری از آن‌ها در معرض تخریب قرار دارند. عدم آگاهی مردم از اهمیت معماری معاصر به عنوان میراثی برای آینده، باعث می‌شود تا به گونه‌ای سهل‌انگارانه درباره این آثار تصمیم‌گیری شود و هرگونه مداخله در آن‌ها مجاز شده و حتی به مرور تخریب شوند. مطالعات منتشر شده ضرورت مطرح شدن چنین موضوعی را بیش از پیش جلوه‌گر می‌سازد. «لازم است همگان دریابند که آثار جنبش مدرن نیز در کنار آثار باستانی و شاخص تاریخی ارزش حفظ شدن دارند تا در اختیار نسل‌های بعدی قرار گیرند تا بیان‌کننده تغییر، تداوم و هویت فرهنگی در دوران معاصر باشند» (Bandarin, 2003, p. 3). همانگونه که ما به آثار شاخص و ارزشمند پیشینیان خود افتخار می‌کنیم، (Mahdavinejad et al., 2013) آیندگان نیز به آثار فاخر معماری معاصر ما نیز، مباحثات کنند. از این رو، مسئولیت ما در بهبود کیفیت و شرایط معماری معاصر انکار ناپذیر می‌شود. ادبیات موضوع در حوزه مورد بحث به سه گروه عمده تقسیم می‌شود.

۴-۱- نظریه‌های موجود

مطالعات صورت گرفته بیانگر آن است که با توجه به جدید بودن موضوع، نظریه‌های قابل توجهی در این زمینه وجود ندارد. مهمترین نظریاتی که از سوی چهره‌های شاخص، نهادهای تخصصی و نظریه‌پردازان در این حوزه ارائه شده، به معرفی پروژه‌ها مربوط می‌شود. به عنوان مثال در زمان ثبت یک اثر و یا در معرفی آن، یک نهاد تخصصی بیانیه‌ای را منتشر ساخته و یا یک نظریه‌پرداز شاخص مطالبی را بیان داشته که گویای دلایل بارزش قلمداد شدن بنای مورد بحث می‌باشد. چنین مدارکی را می‌توان در قالب گروه اول مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

۴-۲- قوانین و موافقت‌نامه‌های جهانی

مهمترین بیانیه‌هایی که در این حوزه می‌توانند مطرح شوند، همایش‌هایی است که در فوریه و اکتبر ۲۰۰۱ توسط یونسکو برای شناسایی و ثبت آثار ارزشمند معماری معاصر برگزار شدند. البته با توجه به این که تنظیم موافقت‌نامه نهایی تا سال ۲۰۱۰ به تأخیر افتاد (UNESCO, 2003). از این رو می‌توان نتیجه گرفت که این بخش تنها می‌تواند موارد قابل استناد بسیار محدودی در اختیار پژوهش قرار دهد.

۴-۳- پروژه‌ها و نمونه‌های ثبت شده

پروژه‌ها و نمونه‌های شاخص معماری که به ثبت جهانی رسیده‌اند، مهمترین بخش در حوزه ادبیات موضوع به شمار می‌آیند که چارچوب نظری پژوهش بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد. مثال‌هایی که در این بخش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند عبارتند از پروژه‌هایی که هرچند به معماری معاصر تعلق دارند، با تصویب یونسکو و بر اساس کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان، به ثبت جهانی رسیده‌اند.

برای تدوین چارچوب نظری پژوهش مهمترین ویژگی‌ها و مشخصات آثاری که به ثبت جهانی رسیده‌اند شناسایی شده، نقاط مهم و برجسته از آن استخراج شده‌اند. سپس برآیند نهایی آن‌ها به عنوان چارچوب نظری برای تحلیل آثار معماری معاصر ایران مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارت دیگر با مراجعه به بیانیه‌های رسمی و مشخصات این آثار، ویژگی‌ها و خصوصیت‌هایی از آن‌ها استخراج شده است. سپس نکته‌های مهم و قابل توجه به صورت مجموعه‌ای منظم تدوین شده‌اند. نتیجه کار معرف چارچوبی خواهد بود که بر اساس آن‌ها می‌توان خصوصیات یک معماری فاخر را تنظیم نمود. دوازده پروژه‌ای که به عنوان میراث جهانی ثبت شده‌اند به ترتیب عبارتند از: پارک گول و خانه میلا^۷، شهر جدید برازیلیا^۸، مجموعه پوتسدام^۹، نمازخانه وودلند^{۱۰}، مدرسه باوواوس^{۱۱}، خانه موسیقی بارسلونا^{۱۲}، بیمارستان کاباناس^{۱۳}، جزیره موزه‌ها^{۱۴}، خانه شرودر^{۱۵}، دانشگاه کاراکاس^{۱۶}، خانه‌های ویکتورهورتا^{۱۷}، و ویلای توگننت^{۱۸}. برای تدوین چارچوب نظری

پژوهش، تحلیل‌ها و نقدهایی که راجع به این آثار نوشته شده، در کنار بیانیه‌ای که در ثبت آن‌ها ارائه شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. سپس نکات مشترک در میان آن‌ها گردآوری شده، در قالب مجموعه‌ای منظم ارائه شده است. این مجموعه در حقیقت معرف مشخصاتی است که منتقدین و پژوهشگران در بیان علل انتخاب این آثار به عنوان بخشی از میراث فرهنگی و تاریخی دوران معاصر، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بیان داشته‌اند. بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته، مهمترین مشخصات و ویژگی‌های شناسایی شده در میان آثار منتخب و ارزشمند جهانی به شرح زیر می‌باشند.

اول - حوزه معماری به معنای اخص کلمه

۱- شاخص بودن معمار: توانمندی‌های معمار نقش مهمی در تبدیل شدن یک اثر معماری به بنایی فاخر دارد. بسیاری از بناها و آثار شاخص میراث جهانی، توسط معماران بزرگ و باتجربه ساخته شده‌اند. یک معمار توانمند و باتجربه عاملی مؤثر در تضمین موفقیت یک پروژه معماری است. یک معمار صاحب‌سبک که منش طراحی خودویژه‌ای دارد و در پیش‌برد و ارتقاء معماری معاصر سهم به‌سزایی ایفا کرده است.

۲- طراحی معماری: بسیاری از بناهایی که به ثبت جهانی رسیده‌اند، از منظر طراحی معماری دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بوده‌اند. در اغلب این بناها، طراحی معماری علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای عادی طرح، جنبه‌های کیفی خاصی را نیز در بر داشته است. بداعت و نوآوری در طراحی معماری، مهمترین ویژگی این بناهاست.

۳- فناوری روزآمد: در توضیحاتی که درباره بناهای ثبت شده جهانی وجود دارد، مشاهده می‌شود که اغلب آن‌ها از بالاترین فناوری زمان خویش برخوردار بوده‌اند و از لحاظ «کیفیت ساخت» نیز مشخصات منحصر به فردی نیز داشته‌اند. به عبارت دیگر بسیار دقیق، باحوصله و با بالاترین کیفیت ساخته شده‌اند.

۴- موضوع و کاربری: اهمیت کاربری یک اثر معماری را نمی‌توان نادیده گرفت. تاریخ نشان داده است که برخی از کاربری‌ها شانس بیشتری برای تبدیل شدن به یک معماری جاودان و پاینده دارند. به عنوان مثال مساجد تاریخی ایران‌زمین بسیار بیشتر از خانه‌هایی است که به عنوان اثر تاریخی مانده است. موضوع ساخت یک پروژه ساختمانی نیز می‌تواند باعث تبدیل شدن آن به آثاری ملی و یا جهانی شوند. به عنوان مثال خانه‌ای که کانون یک انقلاب یا تحول اجتماعی است و رهبران یک کشور در آن سکونت دارند، موضوع مهمی را در اذهان عمومی زنده نگه‌می‌دارند، به همین سبب میراثی برای آینده تلقی می‌شوند.

دوم - حوزه عوامل مؤثر در طراحی

۱- کارفرما: طراحی یک معماری فاخر نیاز به حضور کارفرمایی فهیم و توانا دارد. کارفرمایی که با نگرشی والا، به جای منافع کوتاه‌مدت و زودگذر، چشم‌اندازی بلندتر را مورد توجه قرار می‌دهد. در برخی از پروژه‌هایی که ساخت آن مدت زمانی طولانی ادامه می‌یابد، خصوصاً در پروژه‌هایی دولتی و عمومی، تغییر کارفرما امری قابل پیش‌بینی می‌باشد. برای ساخت یک معماری فاخر لازم است که این مدیران با وحدت رویه، تکمیل‌کننده نظریات پیشینیان خود باشند و از ایجاد تغییرات ناگهانی و سلیقه‌ای در آن بپرهیزند.

۲- قانون‌گذار: قوانین و آیین‌نامه‌های هدایت‌کننده ساخت و ساز و یا دیگر قوانین تأثیرگذار بر حوزه معماری، نقشی تعیین‌کننده در به وجود آمدن یک معماری فاخر دارند. مروری بر تجارب موفق گویای آن است که ثبات قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط، پیش‌شرط موفقیت طراحان و گروه‌های طراحی در خلق معماری فاخر خواهد بود.

۳- استقبال عمومی: بناهایی در تاریخ معماری ماندگار شده‌اند که از سوی مردم و مخاطبان خویش با اقبال رو به رو بوده‌اند. نمونه‌های تحلیل شده گویای آن است که یک معماری فاخر بدون توجه و اقبال عمومی تحقق نمی‌یابد. از این رو می‌توان اقبال عمومی مردم و متخصصان به یک بنا را شرط موفقیت آن دانست.

۴- منظر فرهنگی: رابطه معماری با زمینه طرح از موضوعات مهمی است که می‌تواند در پایایی و ارتقاء یک اثر معماری به عنوان میراثی جهانی مؤثر باشد. میزان پاسخگویی اثر به نیازهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره با موفقیت آن در اقبال عمومی و دیگر معیارهای کمی و کیفی رابطه‌ای مستقیم دارد. به عبارت دیگر بنایی که هماهنگ با نیازهای واقعی جامعه ساخته می‌شود، می‌تواند به عنوان بخشی از منظر فرهنگی موجود تلقی شود. البته لازم است بناهای بعدی نیز در امتداد بناهای قبلی شکل بگیرند، و منظر فرهنگی آن را تکمیل نمایند. در چنین شرایطی به طور مداوم بر ثروت‌های فرهنگی موجود افزوده می‌شود.

سوم- حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری

۱- رویکرد بین رشته‌ای و عملکرد گروهی: معماری اساساً خصوصیتی بینارشته‌ای دارد. برای ساخت هر بنا لازم است رشته‌ها و تخصص‌های گوناگونی در کنار یکدیگر قرار گیرند. تعدد افرادی که در طراحی و ساخت پروژه دخالت دارند، موجب می‌شود تا اهمیت وحدت و هماهنگی میان اعضای گروه بیش از پیش نمایان شود. عملکرد هماهنگ و انسجام در تیم طراحی، یکی از مهمترین خصوصیات است که در آثار تحلیل شده به چشم می‌آید. برای به دست آوردن یک معماری فاخر لازم است تا تمامی اعضاء به عنوان یک گروه هماهنگ و منسجم فعالیت نمایند. استفاده از تمامی تخصص‌ها در کنار ایجاد وحدت و هماهنگی در میان آن‌ها پیش‌شرط تحقق یک معماری فاخر به شمار می‌آید؛ هرچند ممکن است حضور افراد جامع‌الطرفین بتواند جایگزین آن باشد.

۲- مشارکت: مشارکت رمز دوام و پایداری یک معماری در ذهن و خاطره‌های فرهنگی مردم است. مفهوم مشارکت در آثار تحلیل شده دامنه بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد. در برخی از پروژه‌ها مردم بسیار فعالانه در برنامه‌ریزی، ساخت و سرمایه‌گذاری در پروژه مشارکت داشته‌اند و در برخی دیگر تنها مفهوم مشارکت به عنوان یکی از مفاهیم کلی مورد نظر طراحان و گروه‌های طراحی بوده است. به عبارت دیگر برای تحقق یک معماری فاخر لازم است نقشی مهم برای حضور و مشارکت مردمی پیش‌بینی شود. به همین سبب بناهایی که کاربری عمومی دارند و مردم در طول زمان به آسانی می‌توانند از آن استفاده نمایند، موقعیت بهتری برای تبدیل شدن به میراثی برای آینده دارند.

۳- انعطاف‌پذیری: انعطاف‌پذیری یکی از مشخصاتی است که در نمونه‌های تحلیل شده قابل مشاهده می‌باشد. انعطاف‌پذیری در طول زمان به معنای آن است که معماری بتواند در طول دوران بهره‌برداری به نیازهای مخاطبان پاسخ گوید. انعطاف‌پذیری در کاربری به معنای آن است که معماری بتواند متناسب با نیازهای دوران بهره‌برداری، کاربری ویژه خود را بیابد. انعطاف‌پذیری در توسعه به این معناست که طراحی مجموعه امکان اجرای طرح‌های توسعه را در آینده میسر می‌سازد. توسعه برنامه‌ریزی شده مانع از آسیب‌های ناشی از توسعه ناهمگون خواهد بود.

۴- تکمیل مجموعه معماری به وسیله دیگر طرح‌ها: نمونه‌های تحلیل شده مبین آن است که آثار موفق اغلب دارای پروژه‌های مکملی بوده‌اند که اهداف و نیازهای آن‌ها را مرتفع می‌سازد. پروژه‌های مکمل در کنار بنا یا مجموعه اصلی قرار گرفته، آن‌ها در تحقق کاربری و یا عملکردشان یاری می‌رسانند. استفاده مناسب از پروژه‌های مکمل در کنار بنای اصلی موجب می‌شود تا مجموعه مطلوب‌تر جلوه نماید و بهتر بتواند مأموریت‌های پیش‌بینی شده برای آن را محقق سازد.

۵. تحلیل نمونه‌های موردی در ایران

در این مرحله با استفاده تجارب جهانی مورد بحث و چارچوب نظری تدوین شده، آثاری از معماری معاصر ایران مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. نمونه‌های مورد نظر از میان آثار شاخصی انتخاب شده‌اند که توسط معماران بنام ایران‌زمین طراحی شده، و بارها در نقدها و مقالات تخصصی مورد ارجاع قرار گرفته‌اند. آثار مورد نظر از میان آثاری انتخاب شده‌اند که توسط اساتید و معماران به نام ایرانی در ادبیات تخصصی به عنوان آثار شاخص معرفی شده‌اند. آثار معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز از میان آثاری انتخاب شده‌اند که توسط وزارت مسکن و شهرسازی به عنوان آثار شاخص معماری معاصر ایران انتخاب شده‌اند. برای این مرحله، دویست بنای شاخص از دوران پهلوی اول تا امروز انتخاب شده‌اند. سپس این آثار بر اساس مدل تحلیلی ارائه شده، تحلیل شده‌اند. در مرحله ارزیابی آثار نظرات اساتید و افراد صاحب‌نظر در این مصاحبه‌های تشخیصی گردآوری شده، برآیند آن‌ها به عنوان ملاک عمل انتخاب شده است.

شکل ۲: تئاتر شهر، پارک دانشجو، شکل ۳: صدا و سیما مرکز صبا، باغ ملی، شکل ۴: ساختمان وزارت راه و شهرسازی، تهران مشهد



۶. نتیجه‌گیری

بر اساس تجربه‌های معماری معاصر جهان، بناهایی توانسته‌اند به عنوان بخشی از میراث فرهنگی جهان ثبت شوند، که از مشخصات ذکر شده برخوردار بوده اند. بناهایی که حوزه معماری به معنای اخص کلمه، معماری شاخص، طراحی فاخر، با استفاده از فناوری روزآمد و با توجه به ظرفیت‌های موضوع و کاربری مربوط ساخته شده اند. در حوزه عوامل مؤثر در طراحی، تمامی عوامل دخیل در کار مانند کارفرما، قانون‌گذار، اقبال و استقبال عمومی، و همچنین با هماهنگی با منظر فرهنگی طرح ساخته شده اند و در نهایت در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، دارای رویکرد بینارشته‌ای و مبتنی عملکرد گروهی، جلب‌کننده مشارکت، انعطاف‌پذیر بوده اند و پروژه به کمک مجموعه معماری به وسیله دیگر طرح‌ها تکمیل شده است. اثری از معماری معاصر که واجد ارزش‌های فوق باشد، یک معماری «فاخر» نامیده می‌شود و اگر بتواند به میراثی برای آینده تبدیل شود، یک «معماری سرآمد» است.

مروری تحلیلی بر آثار معماری معاصر ایران گویای آن است که در این دوران آثار فاخری ساخته شده‌اند که برخی از آن‌ها واجد ارزش‌هایی هستند که می‌تواند آن‌ها را در مقیاسی جهانی معرفی نماید. آثار شاخصی که علاوه بر بهره‌مندی از کیفیت‌های طراحی، معرف معماری معاصر ایران است. مطالعات صورت گرفته مبین آن است که بناها و مجموعه‌هایی چون پردیس دانشگاه تهران (۱۳۱۴-۱۳۲۰)، آرامگاه حافظ (۱۳۱۸)، مجموعه شوشترنو (۱۳۵۲-۱۳۵۸)، دانشگاه امام صادق تهران (۱۳۵۱-۱۳۵۶)، موزه هنرهای معاصر تهران (۱۳۴۶-۱۳۵۸)، باغ فردوسی تهران (۱۳۷۱-۱۳۷۴)، آرامگاه بوعلی سینا همدان (۱۳۲۴-۱۳۴۵)، یادمان میدان آزادی (۱۳۴۹-۱۳۵۵)، سازمان میراث فرهنگی کشور (۱۳۵۲-۱۳۵۹)، طرح توسعه حرم حضرت رضا (ع) (۱۳۱۴-۱۳۸۶)، مسجد دانشگاه تهران (۱۳۴۵-۱۳۵۶)، سردر دانشگاه تهران (۱۳۴۵-۱۳۴۸)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۵۲-۱۳۵۸)، آرامگاه سعدی (۱۳۲۷-۱۳۳۴) و مجتمع مسکونی امین (۱۳۵۲-۱۳۵۴) از بناهایی هستند که می‌توان آن‌ها را نمونه‌هایی شاخص در آثار معماری معاصر ایران دانست. بر اساس مدل ارائه شده، این آثار بیش از سایرین توانسته‌اند معیارهای مورد نظر را کسب نمایند. موضوعی که به نظر می‌رسد تا اندازه قابل قبولی با ارزش‌های پیش‌بینی شده هماهنگی دارد.

جدول ۱: آثار برگزیده معماری معاصر ایران که از بیشترین امتیاز برای تبدیل شدن به اثری جهانی برخوردارند.

شماره	حوزه تحلیلی بناها و مجموعه‌ها	حوزه معماری به معنای اخص کلمه			حوزه عوامل مؤثر در طراحی				حوزه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی				
		شاخص بودن معمار	طراحی معماری	فناوری روزآمد	موضوع و کاربری	کارفرما	قانون‌گذار	استقبال عمومی	منظر فرهنگی	مشارکت	انعطاف‌پذیری	تکمیل مجموعه به وسیله دیگر طرح‌ها	برآیند ارزیابی امتیازها
۱	پرودیس دانشگاه تهران	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۲	آرامگاه حافظ	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۳	مجموعه شوشترنو	✓	✓	-	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۴	دانشگاه امام صادق تهران	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۵	موزه هنرهای معاصر تهران	✓	✓	-	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۶	باغ فردوسی تهران	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۷	آرامگاه بوعلی سینا همدان	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۸	یادمان میدان آزادی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۹	سازمان میراث فرهنگی کشور	✓	✓	✓	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۱۰	طرح توسعه حرم حضرت رضا (ع)	✓	-	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۱۱	مسجد دانشگاه تهران	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۱۲	سردر دانشگاه تهران	✓	✓	✓	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۱۳	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۱۴	آرامگاه سعدی	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۱۵	مجتمع مسکونی امین	✓	✓	-	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	✓	✓

در جدول تحلیلی فوق، ۱۵ نمونه شاخص از آثار معماری معاصر ایران که از بیشترین امتیاز در تبدیل شدن به میراثی برای آینده برخوردارند. در جدول علامت ($\sqrt{}$) معرف مقیاس جهانی یک ویژگی در اثر انتخاب شده می‌باشد. به عنوان مثال فیلیپ جانسون طراح مجتمع مسکونی امین در اصفهان، معماری در مقیاس جهانی است به همین سبب در جلوی آن از علامت چک و ستاره به صورت توأمان استفاده شده است. علامت چک ($\sqrt{}$) به معنای اهمیت یک ویژگی در مقیاس ملی است. به عنوان مثال یادمان آزادی توسط حسین امانت طراحی شده است. از آنجا که او را یک معمار در مقیاس ملی می‌دانیم، از علامت ستاره در جدول استفاده شده است و اگر موضوع از اهمیت بسیار کمی برخوردار باشد، علامت (-) برای آن در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال اهمیت استفاده از فناوری روزآمد در طراحی و ساخت آرامگاه سعدی از اهمیت بالایی برخوردار نمی‌باشد. به همین سبب از علامت خط تیره در جدول استفاده شده است. در برآیند امتیازها برای علامت چک امتیاز (۱) و علامت چک و ستاره امتیاز دو برابر منظور شده است.

به عنوان مثال در میان این نمونه‌ها، پردیس دانشگاه تهران و منظر فرهنگی آن از شانس مناسبی برای ثبت در میراث جهانی برخوردار است. این مجموعه شامل بناهای باارزشی چون پردیس‌های هنرهای زیبا، ادبیات، علوم، دندانپزشکی، پزشکی، داروسازی، فنی، و حقوق و علوم سیاسی است. یادمان سردر دانشگاه و دیگر بناهای ارزشمندی چون کتابخانه مرکزی، باشگاه و مسجد دانشگاه نیز در آن قرار گرفته‌اند. کیفیت معماری مجموعه دانشگاه تهران و منظر فرهنگی آن تا اندازه‌ایست که به معنای اخص کلمه می‌توان آن را یک معماری فاخر دانست. معماران شاخصی چون آندره گدار، ماکسیم سیرو، محسن فروغی و غیره در طراحی آن اشتغال داشته‌اند. طراحی معماری آن از لحاظ سطح کار تا اندازه‌ای واجد ارزش است که سال‌های متمادی منبع الهام دیگر معماران معاصر ایرانی بوده است و علاوه بر آنکه معرف بخشی از معماری معاصر جهان است که در ایران نیز با عنوان سبک بین‌الملل مورد توجه قرار گرفت. استفاده از فناوری روزآمد در ساخت بناهای مجموعه تأثیر به‌سزایی در دیگر بناهای معاصر ایران داشته است. این مجموعه از لحاظ موضوع و کاربری نیز واجد ارزش‌های منحصر به فردی است. دانشگاه تهران با بیش از هفتاد سال سابقه و تربیت متخصصان و اساتید بیشمار در طول این سال‌ها در مقیاس جهانی شناخته شده است. دانشگاه تهران اولین دانشگاه به سبک جدید در تاریخ معاصر ایران و مادر دانشگاه‌های کشور محسوب می‌شود. به گونه‌ای که یادمان سردر دانشگاه تهران نیز امروزه به نمادی از آموزش عالی کشور تبدیل شده است.

شکل ۷: دبیرستان فیروز بهرام، تهران



شکل ۶: حسینیه ارشاد، تهران



شکل ۵: دانشگاه تربیت مدرس



از منظر عوامل مؤثر در طراحی نیز دانشگاه تهران از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است. کارفرمایان در دوره‌های مختلف بناهایی چون مسجد و سردر دانشگاه را به آن افزوده‌اند که این عناصر نیز به خودی خود واجد ارزش‌هایی فرهنگی شده‌اند. در دوران معاصر نیز اولیای امور آن را در فهرست آثار ملی ثبت کرده‌اند تا آسیب‌های احتمالی به حداقل می‌رسد. قانون‌گذار نیز شرایط لازم را جهت ساخت و بهره‌گیری از آن فراهم آورده است. دانشگاه تهران نیز در دوره‌های مختلف از سوی عموم مردم مورد استقبال بوده است. در ساخت آن نیز به سبب وجود یک طرح منسجم منظر فرهنگی آن به خوبی رعایت شده است. در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نیز مجموعه دانشگاه تهران ویژگی‌های منحصر به فردی داشته است. طراحی‌های اولیه تا اجرای مراحل مختلف آن حاصل عملکرد گروهی و نوعی رویکرد بینارشته‌ای بوده است. در مقابل سهم مشارکت عمومی در ساخت آن ناچیز می‌باشد. انعطاف‌پذیری و تکمیل مجموعه معماری به وسیله دیگر طرح‌ها به صورت منحصر به فردی محقق شده است. اغلب مراکز فرهنگی و کاربری‌های فرهنگی چون کتابخانه‌ها و فروشگاه‌های کتاب در اطراف آن قرار گرفته‌اند. محور خیابان انقلاب و بناهای مجاور سرشار از مجموعه‌ها و بناهای فرهنگی و مذهبی است.

پژوهش صورت گرفته مبین آن است که آثار شاخصی در معماری معاصر ایران وجود دارند که با ویژگی‌ها و مشخصات شناخته شده هماهنگی دارند. برخی از آثار معماری معاصر مانند پردیس دانشگاه تهران و دیگر آثار معماری معاصر ایران

چون آرامگاه حافظ طراحی آندره گدار، مجموعه مسکونی شوشترنو طراحی کامران دیبا و مجموعه دانشگاه امام صادق تهران طراحی نادر اردلان نیز از دیگر آثار شاخص معماری معاصر به شمار می‌آیند که می‌توانند به عنوان بناهایی در مقیاس جهانی مطرح شوند. آنچه بیش از هر چیز شایان توجه می‌باشد آن است که اگر معماری معاصر را سهم دوران حاضر در تکمیل میراث فرهنگی خود بدانیم، رویکرد متعادل‌تری نسبت به آن اتخاذ خواهیم کرد، خصوصاً در ایران که نمونه‌های ارزشمند و فاخری را در میان آثار معماری معاصر خود جای داده است.

۷. پرسش‌ها و پژوهش‌های بعدی

- ۱- معماری سرآمد در دیدگاه متخصصان و اساتید دانشگاهی چیست و ایشان کدامیک از آثار معماری معاصر ایران را به عنوان کاندیدای تبدیل شدن به میراثی برای آینده معرفی می‌نمایند؟
- ۲- با عنایت به نسبت تولید آثار معماری فاخر با مفهومی که از معماری سرآمد ارائه شده، چه اقداماتی می‌توان اتخاذ کرد تا پروژه‌های منتخب از شرایط مناسب‌تری برای تبدیل شدن به میراثی برای آینده برخوردار شوند؟

پی نوشت

1. Docomomo = Documentation and Conservation of buildings, sites and neighborhoods of Modern Movement
2. UIA= Union of International Architects
3. (Docomomo, 2004) و (Docomomo, 1990) و (Docomomo, 2016).
4. (Docomomo, 2004) و (Docomomo, 2016) و (Docomomo, 1990).
5. (Docomomo, 2016).
6. UNESCO (UNESCO United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization)
7. Parque Güell, Palacio Güell and Casa Mila in Barcelona, Spain (C i, ii, iv); 1984
8. Brasilia, Brazil (C i, iv); 1987
9. Palaces and Parks of Potsdam and Berlin, Germany (C i, ii, iv); 1990, 1992, 1999
10. Skogskyrkogården, Sweden (C ii, iv); 1994
11. Bauhaus and its Sites in Weimar and Dessau, Germany (C ii, iv, vi); 1996
12. Palau de la Música Catalana and Hospital de Sant Pau in Barcelona, Spain (C i,ii,iv); 1997
13. Hospicio Cabañas, Guadalajara, Mexico (C i, ii, iii, iv); 1997
14. Museumsinsel (Museum Island) Berlin, Germany (C ii, iv); 1999
15. Rietveld Schröderhuis (Rietveld Schröder House), Netherlands (C i, ii); 2000
16. Ciudad Universitaria de Caracas, Venezuela (C i, iv); 2000
17. Major Town Houses of the Architect Victor Horta (Brussels), Belgium (C i, ii, iv); 2000
18. Tugendhat Villa in Brno, Czech Republic (C ii, iv); 2001

۱۹. نمونه‌های انتخابی باید نخست خود دارای اعتبار باشند (Internal Validity)، و دوم آنکه به گونه‌ای انتخاب شوند که بتوان نتایج به دست آمده از تحلیل را به کلیه بناها تعمیم داد. موضوعی که در روش تحقیق از آن با عنوان (External Validity) یاد می‌شود.

References

- Bandarin, F. (2003). *Foreword, World Heritage Papers*, No. 5: Identification and Documentation of Modern Heritage, UNESCO World Heritage Center.
- Mahdavinejad, M. (2014). Dilemma of Prosperity and Technology in Contemporary Architecture of Developing Countries, *Naqshejahan*, 4(2), 43-53.
- Mahdavinejad, M., Mansorpoor, M. & Hadiyan, M. (2014). Courtyard Phenomena in Contemporary Architecture of Iran, *Journal of Studies on Iranian-Islamic City*, 4(15), 35-45.
- Mahdavinejad, M., Mashayekhi, M. & Bahrami, M. (2015). Mosque Design Patterns in Contemporary Architecture, *Journal of Research in Islamic Architecture*, 2(5), 1-15.
- Mahdavinejad, M. & Jafari, F. (2014). Interaction and Contrast of Regionalism and Globalization in Contemporary Architecture; Case: Persian Gulf Countries, *Journal of Research in Islamic Architecture*. 1(1), 57-73.
- Mahdavinejad, M. (1996). *The World Architectural Theories*, Tehran: Jahad Institute, University of Tehran, Iran.
- Mahdavinejad, M. (1998). *World Contemporary Architecture*, Tehran: Faculty of Fine Art, University of Tehran Press, Iran.
- Mahdavinejad, M. (1999). *New Horizons for Contemporary Architecture of Developing Countries*, Tehran: Faculty of Fine Art, University of Tehran (Academic Pamphlet), Iran.
- Mahdavinejad, M. (2000). *Contemporary Architecture and Legacy of Future*, Tehran: Faculty of Fine Art, University of Tehran (Academic Pamphlet), Iran.
- Mahdavinejad, M. (2004). Wisdom of Islamic Architecture: Recognition of Iranian Islamic Architecture Principles, *HONAR-HA-YE-ZIBA*, (19), 57-66.
- Mahdavinejad, M. & Nagahani N. (2011). Expression of Motion Concept in Contemporary Architecture of Iran, *Journal of Studies on Iranian-Islamic City*, 1 (3), 21-34.
- Mahdavinejad, M. & Nagahani, N. (2012). The Impact of Visual Literacy on Perception of Beauty in Architectural Buildings, *Armanshahr*, 4(7), 51-62.
- Mahdavinejad, M., Hamzenejad M. & Kamyab M. (2012). Principles and Fundamentals of Design and Building of Mosalsas in Contemporary Iranian Architecture, *Journal of Studies on Iranian-Islamic City*, 3 (9), 37-47.
- Mahdavinejad, M., Qasemporabadi M. & Mohammadlouishabestary, A. (2013). Typology of Qajar Mosque-Madarasa, *Journal of Studies on Iranian-Islamic City*, 3 (11), 5-16.
- Mahdavinejad, M., Bemanian M. & Khaksar N. (2011). Architecture and Identity- Explanation of the Meaning of Identity in Pre-Modern, Modern and Post- Modern Eras, *Hoviatshahr*, 4 (7), 113-122.
- Quito (1967). The Norms of Quito – ICOMOS, World Heritage Committee, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- UNESCO (2003). Identification and Documentation of Modern Heritage, *World Heritage Papers*, No. 5, UNESCO World Heritage Center.